

تنبیهان

دو نکته

الأول: إن الحركة الإبراهيمية الأولى التي بدأت بإبراهيم أبي الأنبياء (ع) في العراق وختمت أيضاً بالعراق بعلي (ع) وولده الأئمة ، كانت - في جانب- تماماً كالمسح الذي يسبق الإنشاء حيث وضعت العلامات والمحددات بجهود ودماء الأنبياء لهذا الطريق المقدس ليتم إنشاؤه بالحركة الإبراهيمية الثانية (الثورة المهدوية الكبرى).

اول: نخستین جنبش ابراهیمی که با حضرت ابراهیم پدر انبیا(ع) در عراق آغاز شد و همچنین با حضرت علی(ع) و فرزندان ائمه‌ی او(ع) در عراق خاتمه یافت، دقیقاً - از یک نظر و جهت - شبیه نقشه‌برداری و پیمایشی است که قبل از برپاسازی یک بنا صورت می‌گیرد؛ زیرا در این مسیر نیز علایم و نشانه‌هایی قرار داده شد که حاصل تلاش‌ها و خونفشان‌های انبیا(ع) بود تا از این رهگذر، راه برای دومین حرکت ابراهیمی (انقلاب بزرگ مهدوی) مهیا گردد.

ومع أنني لا أريد التفصيل ولكني أقول: إن ما حصل عند المسح ووضع الخطط والخرائط لابد أن يتكرر عند التنفيذ، فالعراق الذي طرد أبا الأنبياء إبراهيم (ع) ودعوة إبراهيم (ع) ومن آمن بإبراهيم (سارة ولوط (ع)) وفي بداية دعوته وحركته لابد أن يكرر ذلك مع المهدي، ومصر وشمال إفريقيا التي احتضنت بني إسرائيل والدعوة الإبراهيمية لابد أن يكون لها موقف مماثل مع المهدي ودعوته وثورته العالمية، والشام أيضاً سيتكرر منها ومعها ما كان في أول الزمان. ولهذا ورد عنهم التركيز على أن صفوة الأنصار هم أخيار العراق ونجباء مصر وأبدال الشام.

اگر چه در صدد ورود به جزئیات نیستم ولی متذکر می‌شوم که: آنچه در مرحله‌ی پیمایش و نقشه‌برداری و نیز به هنگام تهیه‌ی برنامه‌ها و نقشه‌ها روی می‌دهد، لاجرم به هنگام اجرای عملیات نیز می‌تکرار گردد؛ عراقی که

ابراهیم(ع) پدر انبیا، دعوت آن حضرت و نیز کسانی که به او ایمان آوردند (ساره و لوط(علیهمالسلام)) را رد کرد و وی را در ابتدای حرکت و دعوتش نپذیرفت، قطعاً چنین رفتاری را با مهدی(ع) تکرار خواهد کرد. همچنین مصر و شمال آفریقا که بنی اسرائیل و دعوت ابراهیمی را در آغوش کشید، قطعاً باید موضعگیری همسانی در قبال مهدی، دعوت او و انقلاب جهانی آن حضرت اتخاذ نماید. رفتار شام نیز مشابه با رفتاری است که در ابتدا از خود نشان داده است. لذا از سوی ائمه(ع) تاکید شده است که برگزیدگان انصار، عبارتند از نیکان عراق، نجبای مصر و ابدال شام.

عن جابر الجعفی قال؛ قال أبو جعفر (ع): (یبایع القائم بین الرکن والمقام ثلاثمائة ونیف عدة أهل بدر فیهم النجباء من أهل مصر والأبدال من أهل الشام والأخیار من أهل العراق، فیقیم ما شاء الله أن یقیم)1.

جابر جعفی میگوید امام ابوجعفر محمد باقر(ع) فرمود: «با حضرت قائم در بین رکن و مقام، سیصد و چند نفر به تعداد اهل بدر بیعت می کنند که نجبای مصر، ابدالی از شام و پاکانی از عراق در میان آنها می باشند؛ و تا مقداری که خدا بخواهد در دنیا خواهند بود (و حکومت خواهند کرد)».

ولا تظن أن التسمیات عشوائیة، فالأخیار من العراق بالذات لبیان أن من یقابلونهم وهم الأشرار فیہ ومنه أيضاً، والأبدال من الشام لبیان أن من یتبدلون فیہ ومنه أيضاً حیث إن هؤلاء الذین یتبدلون یظن الناس أنهم أول من سینصر المهدي عند ظهوره، ولهذا كانت أهم صفة للأنصار الحقیقیین من الشام أنهم أبدال. أما نجباء مصر فلأنهم ینتجبون من شعب مخالف لآباء المهدي (آل محمد(ع)) ویكون لهم دور مهم وکبیر فی الثورة المهديیة العالمیة المبارکة.

گمان مبر که این نام‌گذاری‌ها بی‌حساب و کتاب است؛ اشاره به نیکانی از عراق برای بیان این معنا است که کسانی که با آنها مقابله می‌کنند یعنی اشرار، از عراق و در عراق‌اند. اشاره به ابدالی از شام برای بیان این مطلب است که از آنها و در بین آنها تبدیل و تعویض صورت می‌گیرد همچنین افراد دیگری که تغییر و تبدیل در آنها روی می‌دهند کسانی هستند که مردم می‌پندارند نخستین افراد در یاری رساندن حضرت مهدی به هنگام ظهورش هستند؛ از این رو، مهمترین ویژگی انصار واقعی شام، ابدال است. نجبای مصر از ملتی که با پدران حضرت مهدی (یعنی آل محمد(ع)) مخالف هستند، برگزیده می‌شوند و نقش مهم و تاثیرگذاری در انقلاب جهانی و مبارک مهدوی برخوردار هستند.

و غیر خفی الدور الإعلامی الذی ذکره أمير المؤمنین علی(ع) لنجباء مصر، عن عبایة الأسدي، قال: سمعت أمير المؤمنین (ع) وهو متکئ وأنا قائم علیه قال (ع): (لأبنین بمصر منبراً ... قلت: له یا أمير المؤمنین کأنک تخبر أنك تحیا بعد ما تموت؟ فقال : هیهات یا عبایة ذهبت فی غیر مذهب یفعله رجل منی)2.

نقش خبررسانی و تبلیغی که امیرالمؤمنین علی(ع) برای نجبای مصر بیان فرموده، پوشیده نیست. از عبایه‌ی اسدی نقل شده است که گفت: امیرالمؤمنین(ع) در حالی که تکیه زده بود و من بالای سر آن حضرت ایستاده بودم، فرمود: «در مصر منبری خواهم ساخت...» عبایه می‌گوید: من به آن حضرت عرض کردم یا امیرالمؤمنین گویی شما خبر می‌دهی که بعد از مردن، بار دیگر زنده می‌شوید! حضرت فرمود: «هیئات! ای عبایه، تو به راه دیگری رفته‌ای (یعنی آن گونه که تو گمان کرده‌ای نیست) آنچه را که گفتم مردی از دودمان من انجام خواهد داد»3.

وعنه (ع) فی خبر یذکر فیہ المهدي وأصحابه: (... ویسیر الصدیق الأكبر براية الهدی ثم یسیر إلى مصر فیصعد منبره فیخطب الناس

2 بحار الأنوار: ج ۵۳ ص ۵۹.

3 بحار الانوار: ج ۵۳ ص ۵۹.

ويقذف في قلوب المؤمنين العلم، فلا يحتاج مؤمن إلى ما عند أخيه من العلم، فيومئذ تأويل الآية: (يُغْنِي اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ)4(5).

آن حضرت در روایتی دیگر، درباره‌ی مهدی و اصحاب آن حضرت فرموده است: «..... صدیق اکبر با پرچم هدایت روانه خواهد شد..... سپس به مصر می‌رود و بر منبرش بالا رفته، برای مردم خطبه می‌خواند..... و در دل های مؤمنین، علم می‌اندازد به گونه‌ای که هیچ مؤمنی به علم برادرش احتیاج نخواهد داشت. در آن زمان این آیه تأویل می‌شود: «(خدا هر دو را به کمال فضل خویش بی‌نیاز سازد)»6(7).

وفي هذه الرواية بين أن منبر المهدي قد سبق المهدي إلى مصر، أي إنه منبر قد هياه قبل ذلك نجباء مصر .

این روایت بیان می‌دارد که منبر مهدی پیش از آن که آن حضرت به مصر برسد، مهیا شده است یعنی منبر او را قبلاً همان نجبای مصر آماده نموده‌اند.

الثاني: هارون (ع) كان وصي موسى (ع) ولكنه مات قبل موسى (ع)، فكانت مهمة هارون (ع) في حياة موسى (ع) وليس بعد مماته كما هو معتاد للوصي، وهذا أمر مهم ينقض أقوال المضلين بأن الوصي لا يستلم مهمة قيادة الأمة إلا عند موت خليفة الله في أرضه. هؤلاء الجهلة لم يجاوز القرآن تراقبهم، هذا إن كانوا يقرؤونه وإلا فليتدبروا جيداً أين كانت وصاية هارون، وأين كانت خلافة هارون لموسى (ع)، ألم تكن في حياة موسى (ع) ولم تكن أبداً بعد موت موسى (ع) ؛ لأن هارون مات قبل موسى (ع)؟؟؟

4 النساء: ١٣٠.

5 بحار الأنوار: ج ٥٣ ص ٨٥ ، بشارة الإسلام: ص ٧٤.

6 نساء: ١٣٠.

7 بحار الانوار: ج ٥٣ ص ٨٥ : بشارة الاسلام: ص ٧٤.

دوم: هارون(ع) وصیّ موسی(ع) بود ولی قبل از آن حضرت درگذشت. مأموریت هارون(ع) در زمان حیات موسی(ع) بود و نه بعد از فوت او؛ آن گونه که چنین چیزی در اوصیای متداول است. این نکته‌ی مهمی است که باطل کننده‌ی سخنان گمراهانی است که می‌گویند وصی فقط به هنگام مرگ خلیفه‌ی خدا بر زمینش، مأموریت رهبری امت را عهده‌دار می‌شود. این نادان‌ها قرآن از حلقوم‌هایشان پایین‌تر نمی‌رود (بر دل‌هایشان اثر نمی‌کند). اگر قرآن می‌خوانند، حداقل در آن به نیکی تدبیر کنند و بفهمند که وصایت هارون کجا بوده و جانشینی هارون برای موسی(ع) چگونه بوده است. آیا غیر از این بوده است که از آنجا که هارون قبل از موسی(ع) وفات یافت، این وصایت در زمان حیات موسی(ع) بوده و هرگز پس از مرگ آن حضرت نبوده است؟

ومهام هارون (ع) كانت في فترات غياب موسى (ع)، وهذا جلي وواضح في القرآن ولكن لمن لهم قلوب يتدبرون بها.

وظایفت و مأموریت‌های هارون(ع) در دوره‌های غیبت حضرت موسی(ع) بود و این موضوعی است که در قرآن به روشنی بیان شده است، اما این برای کسانی است که دل‌هایی دارند که با آن تدبیر می‌کنند.

فكان هو خليفة موسى(ع) والمبعوث قبل موسى(ع) في أرض الرسالة الموسوية الأولى (مصر): (وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنْ أَنْتَ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * قَوْمَ فِرْعَوْنَ أَلَا يَتَّقُونَ * قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُون * وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَىٰ هَارُونَ * وَلَهُمْ عَلَيَّ ذَنْبٌ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُون * قَالَ كَلَّا فَادْهَبَا بِآيَاتِنَا إِنَّا مَعَكُمْ مُسْتَمِعُونَ * فَآتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ)8.

او جانشین موسی(ع) و فرستاده شده از سوی آن حضرت در سرزمین رسالت نخستین موسوی (مصر) بود: «(و پروردگارت موسی را ندا داد که: ای موسی، به سوی آن مردم ستمکار برو: * قوم فرعون، آیا نمی‌خواهند پرهیزگار شوند؟

* گفت: ای پروردگار من، می‌ترسم که دروغ‌گویم خوانند * و دل من تنگ گردد و زبانم گشاده نشود. هارون را پیام بفرست * گفت: هرگز! آیات مرا هر دو نزد آنها ببرید، ما نیز با شما هستیم و گوش فرا می‌دهیم * پس بگویید ما فرستاده‌ی پروردگار جهانیان هستیم»⁹.

ومعلوم أن كلام الله هذا لموسى (ع) كان قبل وصوله إلى أرض الرسالة (مصر) وقد طلب موسى (ع) أن يرسل الله معه أخاه هارون (ع) وقد أجاب الله دعاءه كما هو واضح من الآيات، فقد أرسل الله هارون (ع) الوصي كما أرسل موسى (ع).

واضح است که این خطاب خداوند به موسی(ع) قبل از رسیدن وی به سرزمین رسالت (مصر) بوده است. همچنین از آیات به روشنی برمی‌آید که موسی(ع) از خدا تقاضا کرد که برادرش هارون(ع) را با او گسیل دارد و خداوند نیز دعایش را اجابت فرمود. خداوند هارون(ع) را به عنوان وصی فرستاد، همان‌طور که موسی(ع) را (به عنوان نبی) ارسال داشت.

وكان هارون الوصي المرسل في أرض الرسالة (مصر) قبل أن يصل إليها موسى (ع). وكان خليفة موسى (ع) عندما ذهب إلى كلام الله سبحانه وتعالى: (وَوَاعِدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَى لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ)¹⁰.

هارون، وصی فرستاده شده در سرزمین رسالت (مصر) بود، قبل از آن که موسی(ع) به آنجا برسد. وی، هنگامی که موسی(ع) برای کلام خدای سبحان رفت نیز وصایت آن حضرت را بر عهده داشت: «(سی شب با موسی و عده نهادیم و ده شب دیگر بر آن افزودیم تا وعده‌ی پروردگارش چهل شب کامل شد؛ و

⁹ شعرا: ۱۰ تا ۱۶.

¹⁰ الأعراف: ۱۴۲.

موسی به برادرش هارون گفت: بر قوم من جانشین باش و راه صلاح پیش گیر و به طریق مفسدان مرو»¹¹.

وكان هارون (ع) خليفة موسى (ع) عندما ذهب هو ويوشع للتعلم من العبد الصالح.

همچنین هنگامی که موسی (ع) با یوشع بار سفر بست تا از عبد صالح علم بیاموزد، هارون جانشین موسی (ع) بود.

* * *